

## میراث فکری و تراث اخلاقی



استاد محسن جوادی



استاد رضا برنجگار



استاد محمد عالم زاده نوری



استاد مهدی علیزاده

## فلسفه اخلاق از منظر معارف وحی



استاد محمد تقی سبحانی



استاد سید محمد مهدی میرباقری



استاد هادی صادقی

گزارش مدرسه بهاره

# فلسفه اخلاق

آشنایی با فلسفه اخلاق از منظر کتاب و سنت

اندیشه های معاصر (گزارشی از یک پروژه تحقیقاتی)

ارائه دیدگاه علامه طباطبائی شهید آیت الله صدر شهید مطهری آیت الله مصباح یزدی  
آیت الله جوادی آملی استاد سید منیرالدین حسینی آیت الله آملی لاریجانی



استاد علی محمدی

استناد شده است؛ کآن نظریه پردازان این عرصه، ورود به این بحث را شأن فلسفه تلقی کرده اند و نه وحی! از این رو در میان اندیشه های برجسته این عرصه و تحقیقات صورت گرفته، تحقیق جامعی که سعی کرده باشد نظریه فلسفه اخلاق از منظر وحی را با روش متقن فقهاتی کار کرده باشد سراغ نداریم.

مرکز تفقه علوم اسلامی با همکاری مدرسه نگاه، مرکز علوم نوین اسلامی (معنا)، موسسه معارف اهل بیت (ع) و فرهنگستان علوم اسلامی قصد دارد با برگزاری طرح «درسگفتارهای فلسفه اخلاق از منظر وحی»، یا رویکرد تطبیقی و جریان شناختی نسبت به میراث اندیشه امامیه در سه حوزه کلام، فلسفه و عرفان و همچنین مروری بر نظریه های معاصر فلسفه اخلاق، به تبیین دیدگاه مستنبط از وحی بپردازد و نشان دهد، کامل ترین تحلیل از بنیان های اخلاق را می توان از تأمل و تدقیق در معارف وحی به دست آورد.

## مدرسه بهاره فلسفه اخلاق

فلسفه اخلاق، دانشی است که به تحلیل و تفسیر بنیان های اخلاق می پردازد و اصلی ترین اصول و ارکان اخلاق را مورد بررسی قرار می دهد. مهم ترین پرسش های فلسفه اخلاق عبارت است از اینکه:

اولاً به لحاظ وجودشناختی، اخلاق چیست؟

ثانیاً به لحاظ معرفت شناختی، اخلاق چگونه قابل درک و شناسایی است؟ معیارهای ارزش گذاری اخلاق چیست و چگونه قابل تشخیص است؟

محورهای دیگری از فلسفه اخلاق همچون معناشناختی مفاهیم اخلاقی نیز قابل بحث است که در درجه دوم اهمیت قرار دارد.

پیرامون مسائل فلسفه اخلاق در میراث کلامی، عرفانی و فلسفی بحث مستقل و منسجمی تحت این عنوان، به چشم نمی خورد و عمدتاً مباحث پراکنده ای در خلال دیگر بحث ها مطرح شده است که البته حائز اهمیت است. از این رو ورود به این بحث می بایست با تدقیق و کنکاش در میراث علمی گذشته صورت پذیرد. همچنین اندیشمندان معاصر نیز این بحث را مستقلاً مطمح نظر و تأمل خود قرار داده و برخی از آنها، به نظریه پردازی در این عرصه موفق شدند.

نکته قابل توجه در نظریه پردازی در عرصه فلسفه اخلاق این است که رویکرد غالب در آنها، رویکرد فلسفی است و کمتر به وحی (کتاب و سنت)

**میراث فکری و تراث اخلاقی**

استاد محسن جوادی | استاد رضا برنجکار | استاد محمد عالم زاده نوری | استاد مهدی علیزاده

**فلسفه اخلاق از منظر معارف وحی**

استاد محمد تقی سبحانی | استاد سید محمد مهدی میرباقری | استاد هادی صادقی

**مدرسه بهاره  
فلسفه اخلاق**

آشنایی با فلسفه اخلاق از منظر کتاب و سنت

**اندیشه های معاصر** (گزارشی از یک پروژه تحقیقاتی)

ارائه دیدگاه علامه طباطبائی شهید آیت الله صدر شهید مطهری آیت الله مصباح یزدی آیت الله جوادی آملی استاد سید منیرالدین حسینی آیت الله آملی لاریجانی استاد علی محمدی

ثبت نام از طریق: [negahschool.ir](http://negahschool.ir) زمان برگزاری: اردیبهشت و خرداد ۱۴۰۳

قاعده عوض، وجوب انتصاف، عدم تعذیب اطفال مشرکان، عدم تکلیف به مالایطاق، قاعده لطف، قاعده اصلح. حجت الاسلام دکتر رضا برنجکار به تبیین فلسفه اخلاق در میراث کلامی پرداختند و بیان داشتند: برای بررسی به میراث اخلاقی متکلمان می‌بایست به تاریخ اقوال در موضوع «حسن و قبح» پرداخته شود که در دو منظر «وجودشناسی» و «معرفت‌شناسی» حسن و قبح که یکی در مقام ثبوت و دیگری در مقام اثبات است، قابل طرح است. آغاز تاریخ کلام اسلامی و سخن از حسن و قبح را باید از کتاب و سنت دانست؛ در اینصورت می‌توان حسن و قبح ذاتی و عقلی را پیش فرض آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام دانست که شواهد متعددی دارد و تفکر و دیدگاه متکلمان امامیه نیز چنین بوده است. متکلمان معتزلی نیز حسن و قبح را به ذات افعال بازگردانده و عقل را مدرک آن می‌دانند، اما اشاعره آن را اعتباری و اضافی می‌دانند که تغییر در آن رواست و متناسب با اشخاص و زمان ها و حالات، دگرگونی می‌یابد.

## استاد رضا برنجکار فلسفه اخلاق در میراث کلامی

حجت‌الاسلام برنجکار معتقدند حسن و قبح، اساس دین بلکه اساس اخلاق و علم حقوق است که ز آثار پذیرش حسن و قبح ذاتی و عقلی می‌توان به این موارد اشاره کرد: اثبات غرض برای خداوند، نفی اراده قبیح از خداوند، انتساب فعل متولد به انسان، نفی اضلال،



## استاد محسن جوادی فلسفه اخلاق در میراث فلسفی

دکتر محسن جوادی، به تبیین فلسفه اخلاق در میراث فلسفی پرداختند؛ ایشان معتقدند مفهوم «سعادت» ارسطویی، بن‌مایه میراث اخلاقی فلسفی مسلمانان

بوده و مسائل آن، موضوع کاوش فیلسوفان اخلاقی قرار گرفته است. سعادت ارسطویی که محدود به قالب دنیاست، توسط فیلسوفان مسلمان، به آخرت و معاد گره خورده و ارتقاء یافته است. ایشان مسائل مورد بحث فیلسوفان مسلمان در اخلاق را ضمن عناوینی چون «چیستی و معنای سعادت»، «راه دستیابی به سعادت»، «چیستی فضائل» و... تعریف می‌کنند.

استاد جوادی از سوی دیگر، مسئله «حسین و قبح» از منظر فیلسوفان مسلمان را - پس از مقایسه با دیدگاه اشاعره، متکلمان و... - مقوله‌ای انسانی و برساخت اجتماعی معرفی می‌کنند که ارتباطی به واقعیت ندارد. با این نگاه، «اجتماع»، پشتوانه اخلاق خواهد بود. «عدالت» و «لذت» نیز از مفاهیم مورد بحث فیلسوفان اخلاق بوده که در نسبت با مفهوم «سعادت» و «اراده و مبادی فعل در انسان» دیده شده است.



فلسفه اخلاق

## گزارش

حجت الاسلام دکتر علیزاده ضمن تفکیک چهار محور (نظام علمی، مکتب علمی، رویکرد علمی، جریان علمی) در تاریخ یک علم، چهار رویکرد کلان اخلاق در جهان اسلام را اینچنین برشمردند: ۱. اخلاق نقلی ۲. اخلاق عقلی - فلسفی ۳. اخلاق شهودی - عرفانی ۴. اخلاق تلفیقی. رویکرد نقلی بر محوریت کتاب و سنت استوار است. رویکرد اخلاق عقلی عبارت است از محوریت عقل در اخلاق. در رویکرد سوم، علم حضوری و شهود عرفانی محور قرار می گیرد. اخلاق ترکیبی معتقد است همه این منابع قابل اعتماد است به نحوی که هرکدام سر جای خود قرار گیرد. استاد علیزاده در ادامه به ادوار مختلف هریک از رویکردها پرداختند و با معرفی اندیشمندان و منابع اصلی هریک از آنها سرطور و تحولات آن را تبیین نمودند. این بحث در کتاب «رویکردهای اخلاق اسلامی (ادوار، مبانی و منابع)» نیز به تفصیل آمده است.

استاد مهدی علیزاده

# مکاتب و تراث اخلاقی

آشنایی با مکاتب چهارگانه اخلاق اسلامی (تاریخ تحولات، منابع اصلی و نمایندگان برجسته)



استاد محمد عالم زاده نوری

## الگوی اخلاق در قرآن روش شناسی استنباط حکم اخلاقی

حجت الاسلام محمد عالم زاده نوری در نوبت اول به شیوه نوین قرآن در دسته بندی ارزشی اخلاق پرداختند و بیان داشتند: نظام ارزشگذاری علم اخلاق، به صورت دوگانه است، مانند خوب و بد و حسن و قبیح و فضیلت و ردیلت، درست و نادرست، ممدوح و مذموم، صالح و ناشایست و ... قرآن کریم برای اولین بار یک تقسیم

نوین و شگفت‌انگیز ارائه کرده است و ضلع سومی را هم به آن افزوده است که در هیچ کتاب اخلاقی سابقه ندارد، که شاید مصداق «بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» باشد. ایشان سپس به مروری بر مصداق دسته بندی سه گانه قرآن در سوره های مختلف پرداخت، از جمله دسته بندی انسان‌ها به «اصحاب مشئمه، میمنه و السابقون» در سوره واقعه؛ دسته بندی «ابرار، فجار و مقربین» در سوره مبارکه مطففین که در سوره انسان هم آمده است. این تقسیم سه گانه در سوره مبارکه نساء نیز تکرار شده است که انسان‌ها را به دو گروه مؤمن و کافر تقسیم کرده است و گروه مؤمنان را هم به دو قسم تقسیم می‌کند؛ مؤمنان قاعد و مجاهد. استاد عالم زاده نوری در نوبت دوم به روش شناسی استنباط حکم اخلاقی پرداختند؛ علم اصول موجود در مقام کشف آموزه های اخلاقی نارسائی و کمبودهایی دارد. بعضی از مباحث علم اصول، در همه حوزه های معرفتی نقش دارد، مثل مباحث الفاظ اما یک دسته مسائل خاص هست که در خصوص کشف احکام فقهی کاربرد دارد. قسمت اول را می توان اصول تفقه (نه اصول فقه) یعنی دین شناسی به معنای عام خودش نامید. حلقه مفقوده ایندو بخش عبارت است از: اصول فقه الاخلاق / اصول فقه المعارف / اصول فقه الاجتماع، یعنی به این سه دسته اصول نیاز داریم. روش معتبر استنباط احکام اخلاقی و کشف نظام جامع ارزش های انسانى از منابع معرفت دینی چیست؟ روش شناسی تفقه اخلاقی و شیوه های دریافت اجتهادی گزاره های اخلاقی از منابع منصوص چیست؟ استاد عالم زاده در ادامه به مروری بر مسائل اصلی این بحث پرداختند که در کتاب «استنباط حکم اخلاقی از متون دینی و ادله لفظی» به تفصیل آمده است.



فلسفه اخلاق

## گزارش



# استاد علی محمدی فلسفه اخلاق از منظر اندیشمندان معاصر



استاد محمدتقی سبحانی

# فلسفه اخلاق از منظر وحی

اصول و مبانی نظریه ارزش اخلاقی از منظر اسلام

حجة الاسلام دکتر محمدتقی سبحانی در ابتدا با اشاره به وضعیت فلسفه اخلاق در سنت غربی به معرفی سه گرایش «فرااخلاق، اخلاق هنجاری و اخلاق عملی-کاربردی» که شاخه های اصلی فلسفه اخلاق هستند، پرداختند. در این میان اخلاق هنجاری از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

که چگونگی بازتولید قواعد اخلاقی را بیان می کند و از «نظریه های ارزش اخلاقی» سخن می گوید؛ این نظریه ها به دنبال تبیین ماهیت ارزش های اخلاقی و ارائه معیارهایی برای ارزش های اخلاقی هستند که به دو پرسش اساسی پاسخ می دهد: ۱. ماهیت ارزش اخلاقی از منظر وجودشناختی چیست؟ ۲. کیفیت ادراک و دستیابی ارزش اخلاقی چیست؟ در تحلیل ارزش های اخلاقی بین فیلسوفان غرب دو رویکرد عمده وجود دارد: ۱. ناواقع گرایان ۲. واقع گرایان که خود دارای سه مکتب است: اول، نتیجه گراها دوم، وظیفه گراها سوم، اخلاق فضیلت گرا.

استاد سبحانی پس از تبیین رویکردهای گوناگون در فلسفه غرب، کلام اسلامی و فلسفه اسلامی و نقد رویکرد اعتباریات، اصول دیدگاه خود را نسبت به ارزش های اخلاقی بیان کردند: ۱. واقع گرایی اخلاقی ۲. اتصاف گزاره های اخلاقی به صدق و کذب ۳. عینیت داشتن مطابق گزاره های اخلاقی ۴. آفاقی بودن مطابق اخلاق (واقع گرایی عینی در بیرون انسان) ۵. جهت داری عالم عینی و تأثیر آن بر اخلاق، بنابراین باید به تحلیل «نسبت ها» و «اراده» نیز همت گماشت. مبتنی بر این اصول می توان گفت: خیر و شر یک امر وجودی نفس الامری است و در نتیجه حسن و قبح، امر حقیقی است؛ همچنین عقل، مدرک حسن و قبح اخلاقی است.





محور درک الزامات اخلاقی هستند. از منظر استاد میرباقری، حقیقت درک ما از الزامات اخلاقی، نوعی فهم و احساس مطلوبیت و تعلق در وجود ما نسبت به آن فعل است. بنابراین درک انسان از مفاهیم اخلاقی بیش از یک درک نظری است؛ «فطرت به ودیعت نهاده شده»، «عقل تحت سرپرستی»، «طینت عوالم پیشین» و «تولی و تبری» هرکدام جایگاهی در درک الزامات اخلاقی دارند و نباید نقش آنها نادیده انگاشته شوند.

پایگاه ایجاد الزامات اخلاقی، قوای نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که اساس مکارم اخلاق است و ماهیت گزاره‌های اخلاقی، ناظر به حقیقت آن صفات هستند. برای نمونه سخن از خوبی تواضع و خوبی زهد، حکایت-گر صفات کریمه ای در وجود حضرت است. با متولی شدن به ایشان و تبری یافتن از دشمنان ایشان، اخلاق و صفات حمیده ایشان در وجود انسان نیز تنزل پیدا می‌کند.

بر این اساس، «اخلاق اجتماعی» نیز معنا می‌یابد؛ بدین بیان که جامعه‌ای که در تولی به معصومان علیهم السلام شکل می‌گیرد، محور روابط آن نیز بندگی و صفات کریمانه قرار می‌گیرد و جامعه‌ای که در تولی به طواغیت شکل می‌گیرد، نتیجه‌ای جز بسط اخلاق و صفات ردیلانه به بار نمی‌آورد. این صفات و اخلاق نیز بر محور امام، نظام می‌یابند و دو نظام پرستش و استکبار شکل می‌گیرد. در سطح بالاتری نیز «اخلاق تاریخی» داریم که در تولی جوامع و امت‌ها به معصومان علیهم السلام شکل می‌گیرد و ابتدا و انتهای تاریخ به یکدیگر پیوند می‌خورند و اخلاق و صفات امت‌ها به یکدیگر ارتباط یافته و در هم تأثیر می‌گذارند.



استاد سید مهدی میرباقری

## فلسفه اخلاق از منظر وحی

آیت الله میرباقری با اشاره به این نکته که در معارف و حیانی، اصطلاحی تحت عنوان «اخلاق» به این گستردگی وجود ندارد، بیان داشتند که آنچه در معارف وحی می‌توان پی جست، «ایمان و کفر» و «صفات ایمان و صفات کفر» است و در کتب حدیثی، به صورت گسترده بدان پرداخته شده است. اما بنا بر پذیرش «مصطلح اخلاق»، نخستین بحث در این زمینه، سخن از «ماهیت الزامات اخلاقی» است؛ به نظر می‌رسد «تعلقات»



# استاد هادی صادقی فلسفه اخلاق از منظر وحی

بنیادهای هنجاری اخلاق اسلامی

حجة الاسلام دکتر هادی صادقی در ابتدا به مکاتب اخلاق هنجاری اشاره کردند که سه دسته اند: ۱. غایت گرایی ۲. وظیفه گرایی و ۳. اخلاق فضیلت. غایت گرایان نیز به سه بخش تقسیم می کنند: ۱. خود گرایی ۲. دیگر گرایی و ۳. سود گرایی و منفعت گرایی. در سنت اخلاق فلسفی مسلمانان ساختار اصلی، یونانی است و تنها تغییراتی

در آن دیده می شود؛ در این ساختار کلان که ارسطویی است، چهار فضیلت اصلی است و انسان می بایست در این میان به تعادل و هماهنگی قوا دست یابد. سنت اخلاق عرفانی نیز با محوریت سلوک، مراحل را برای حرکت انسان تعریف می کند که تحلیل در آن جای جدی ندارد. در سنت متن گرا که محور آن قرآن و حدیث است، آیات و روایات اخلاقی در بخش هایی از کتب حدیثی همچون «العشرة» و «العقل و الجهل» و... گرد آمده اند. اما سنتی نوپا نیز وجود دارد که سنت اجتهادی خوانده می شود که در آن، عالمان امامیه هر کدام مبتنی بر گزاره هایی از قرآن و حدیث، تصور خودگرا یا دیگرگرا یا سودگرا یا فضیلت گرا از اخلاق اسلامی دارند. این در حالی است که نمی توان اخلاق اسلامی را صرفاً درون یک مکتب اخلاقی، جای داده و محدود کرد.

از منظر استاد صادقی که نظریه «یکپارچگی اخلاق» را مطرح می کنند، هیچ کدام از مکاتب فوق نمی توانند عهده دار تبیین دیدگاه اخلاق اسلامی باشند؛ بلکه به دلیل تفاوت ساختار وجودی انسان ها با یکدیگر، به تناسب هر کدام از آنها و با توجه به سطوح ایمان اشخاص، می بایست به توصیه هایی متفاوت دست یافت. ایشان معتقدند مجموعه انسان ها را باید همچون هرمی تصور نمود که در قاعده آن که بیشتر مردم هستند، اخلاق خودگروی وجود دارد. در بالاتر، دیگرگروان هستند. دسته سوم که تعدادشان کمتر می شود، سودگروان هستند. سپس وظیفه گرایان و در نوک هرم، فضیلت گرایان قرار دارند. اخلاق اسلامی، نسبت به همه این گونه ها، توصیه داشته و در عین حال تلاش می کند آنان را به درجه بالاتر سوق دهد؛ ولایت و سرپرستی خداوند از طریق معصومان علیهم السلام نیز محور، مبنا و معیار در این نظریه است که با شئون گوناگون ولایت، رشد مردمان صورت می گیرد.



ایشان، وجود ملاک حقیقی در حسن و قبح را می‌پذیرند اما آن را مستقل از امر ولایت ندانسته بلکه ملاک را تناسبات عبودیت و استکبار معنا می‌کنند. آیت الله میرباقری همچنین تولی و تبری را مجرای حسن و قبح و جریان الزامات اخلاقی می‌دانند. به کمال رسیدن فطرت و عقل را نیز به تولی و تبری بازمی‌گردانند. بر این اساس، ایشان معتقدند همه تحلیل‌های اخلاقی می‌بایست بر محور توحید معنا یابد و از آن منصرف نباشد؛ در غیر این صورت، سخن از اخلاق بی‌معناست.

استادصادقی علی‌رغم پذیرش این امر که محور در اخلاق، تولی به ولایت الهی از طریق تولی به معصومان علیهم السلام می‌باشد، معتقدند پیش از ورود به دین، با عقل فطری، می‌توانیم به اخلاقیات دست یابیم که ما را به دین برساند و از هنگامه همراهی با دین، با آنچه او به ما راه می‌نماید، حرکت کنیم. بر این اساس در نگاه ایشان، عقل فطری، بنیان ساخت و پرداخت حسن و قبح است؛ و اولیاء خدا، در مقام تقویت، استمرار، تربیت و توسعه آن هستند.

استاد میرباقری معتقدند اگر یافته‌های عقل، قطعاً ما را به اخلاقیات مبتنی بر توحید می‌رساند، چرا بیشتر فیلسوفان غربی، ملحد هستند؟! بلکه عقل فلسفی متأثر از آن چیزی است که انسان از پیش پذیرفته است. از منظر استاد میرباقری، گرچه سرمایه عقل در وجود انسان قرار داده شده و مخاطب انبیاء نیز همین عقل است، اما تا انبیاء علیهم السلام او را بالفعل نکرده و رشد ندهند و سرپرستی نکنند، به اخلاق مطلوب و توحید نمی‌رسد. بنابراین آغازگر، انبیاء هستند نه عقل. از این منظر، حتی مخاطبات نخستین عقلی میان انبیاء و مردمان، دینی بوده و فرادینی نیست. استادصادقی در مقابل، معتقدند سرمایه اولیه عقل فطری، چنان است که دست انسان را تا رسیدن به انبیاء و موحد شدن بگیرد و سپس، خود، دست در دست انبیاء علیهم السلام، رشد یابد. از این منظر، مخاطبات نخستین عقلی میان انبیاء و مردمان، فرادینی و برون از دین است.

## استادسید مهدی میرباقری استاد هادی صادقی میزگرد تاملی در معنی حسن و قبح

شکل‌گیری بن‌مایه‌های نخستین اخلاق و منشأ پیدایش حسن و قبح مورد بحث دو استاد فلسفه اخلاق قرار گرفت. آیت الله میرباقری معتقد بودند با نفی الوهیت، حسن و قبح بی‌معناست و اگر به حسن و قبح ذاتی که به جعل خداوند متعال بازنگردد، قائل شدیم، نتیجه آن تعدد آله است و بعید است کسی بدین نتیجه، ملتزم باشد. از منظر ایشان باید تصوّر خود از امر و ملاک حسن و قبح را که نزاع میان اشاعره و معتزله است، ارتقاء دهیم.



فلسفه اخلاق  
گزارش تصویری

